

- سراب پیش از سراب

به نظر می‌رسد که پس از دوره صفویه، نام سراب به تدریج به عنوان محله‌ای وسیع در غرب مشهد تثبیت شد، اما این محدوده پیش از آنکه عنوان «سراب» بگیرد، چه نام داشت؟ مهدی سیدی در مقدمه تصحیح کتاب «نفوذ ارض اقدس» (نخستین سرشماری شهر مشهد و تدوین شده زین‌العابدین میرزای قاجار)، محله سراب را پس از نوغان، قدیمی‌ترین محله مشهد دانسته و آن را با محدوده سناباد قدیم تطبیق داده‌است. سیدی می‌نویسد: «سناباد یکی از قراء قدیمی هم جوار مشهد، واقع در یک میلی غرب آن (حدود۱۶۰۰متری) بوده‌است.» اودر متن، برای اثبات این ادعا، به کتاب «معجم البلدان» یاقوت حموی (درگذشته ۶۲۶ قمری) ارجاع می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که فضای فعلی محله سراب با سناباد قدیم انطباق دارد، در حالی که محتوای کتاب مذکور چیز دیگری است. یاقوت در متن کتابش، ذیل عنوان «سناباد» می‌نویسد: «قریه بطوس فيها قبر الإمام علی بن موسی الرضا... بینها و بین مدینه طوس نحو میل [سناباد] روستایی در طوس است که آرامگاه امام علی بن موسی الرضا^{۱۱}... در آن قرار دارد. میان این روستا و شهر طوس حدود یک میل فاصله است.) بنابراین، تطبیق محله سراب با سناباد قدیم، با استناد به گزارش یاقوت حموی، چندان دقیق و قابل اعتنا نیست. علاوه بر این، پیداست که گزارش مذکور، حتی درباره موقعیت جغرافیایی سناباد نسبت به طوس (یا به طور صحیح تابران) هم، نمی‌تواند درست و قابل اتکاء باشد. باید توجه داشت که منابع جغرافیایی و تاریخی، مرقد مطهر امام رضا^{۱۲} را استقرار یافته بر روی اراضی روستای سناباد می‌دانند؛[ابن حوقل (درگذشته۳۶۷ قمری) در کتاب «صورةالارض» می‌نویسد:«قبر علی بن موسی الرضا علیه‌السلام در بیرون شهر نوغان است در مجاورت آن قبر رشید، در مقبره‌ای زیبا در قریه‌ای به نام سناباد که حصنی استوار دارد و گروهی در آن معتکف هستند.» حال با عنایت به این نکات، آ‌یا باید تطبیق لاقابل بخشی از محدوده محله سراب قدیم را با اراضی سناباد کتمان کنیم؟

به نظر می‌رسد که در این زمینه نیز، باید با احتیاط عمل کرد. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، در کتاب بسیار ارزشمند «مطلع‌الشمس» (جلد دوم) که در حدود سال ۱۳۰۰ قمری به رشته تحریر درآمده‌است، می‌نویسد: «قات سناباد که در مشهد جاری است، مجرای آن در محله سراب از باغ عنبر می‌باشد که خود جزو موقوفه آستانه است و موافق شرط واقف، مقداری از آب این قنات به مطبخ آستانه می‌آید. شش دانگ قنات بر آستانه مقدسه وقف است.» وی اضافه می‌کند: «سایر قناتی که در این شهر، بلکه در همین محله سراب جاری است عبارتست از قنات قلیچ‌خان، قنات ممیش‌خان، قنات محمدولی‌خان سردار قاجار ... قنات شیخ مؤمن کاظمینی، قنات رکن‌آباد و قنات سلسبیل.» از گزارش اعتمادالسلطنه که در صحت آن تقریباً تردید نداریم، می‌توان دو نکته مهم استنباط کرد.

نخست: با توجه به جاری بودن قنات سناباد، قدیمی‌ترین قنات تاریخ مشهد، بر روی اراضی محله سراب، می‌توان این احتمال را نسبتاً قوی دانست که دست‌کم بخشی از اراضی این محله، قسمتی از زمین‌های سناباد قدیم بوده‌است. به دیگر سخن، علت انتساب اراضی محله سراب به سناباد قدیم، با توجه به مسئله عبور قنات کهنسال مشهد، استحکام بیشتری دارد تا استناد به گزارش یاقوت حموی. دوم: ادعای دلیل نام‌گذاری محله (سراب) یا سَرابِ) مبنی بر عبور قنات‌های فراوان مشهد از میان این محله، می‌تواند تا حدود زیادی درست باشد.

نگاهی به پیشینه و تحولات کالبدی یکی از محلات قدیمی شهر

«سراب» میراث‌دار تاریخ تحولات مشهد



نمایی از محله سراب در سال‌های اخیر؛ تصویر کوچه سراب را از سمت چهارراه خسروی نشان می‌دهد

مرضیه ترابی | نام «سراب» به عنوان یک محله در مشهد، در قیاس با نام‌هایی مانند «سناباد»، «نوغان» و «چهنو»، چندان قدیمی نیست. در متون مربوط به جغرافیای مشهد در دوره تیموری، نشانی از نام محله‌ای به نام سراب (یا مکانی به این نام) در محدوده شهری نمی‌بینیم. شهاب‌الدین عیدآ... خوافی (مشهور به «حافظ ابرو»، درگذشته سال ۸۳۳ قمری) در کتاب جغرافیای خود، از محلات مشهد با این‌نام‌ها یاد می‌کند: «کاریز»، «سناباد»، «چاه‌نو» (چهنو)، «دستجرد»، «منصوریه»، «ابوبکرآباد» و «پس‌باره» و در یادداشت‌های او نیز، نشانی از نام «سراب»، یا اسمی نزدیک به این عنوان وجود ندارد. تکاپوها برای یافتن این نام و دادن اعتبار تاریخی به آن، در ادوار پیش از صفویه، یکسره به ناامیدی ختم می‌شود. احتمالاً قدیمی‌ترین نشان از اسم مکان «سراب»، را «قاضی احمد بن شرف‌الدین حسین حسینی منشی قمی» (درگذشته ۹۸۵ قمری) در کتاب «خلاصة‌التواریخ» ذکر می‌کند؛ آنجا که ذیل بررسی حوادث سال ۹۶۲ قمری، به ورود یکی از شاهزادگان صفوی به مشهد، در دوران امارت ابراهیم میرزا صفوی می‌پردازد و می‌نویسد: «آن‌گاه که از نیشابور گذشته متوجه مشهد مقدس شدند، خود با امرای تائین و سادات و موالی و اعیان مشهد مقدسه تا موضع علاقه‌بند و بازۀ عارفی به استقبال مبادرت نموده در ساعت سعید ایشان را در راه بیرون دروازهٔ سراب به باغ شاهی (منظور چهارباغ است) آورده آنجا فرود آوردند... از درب سراب تا در چهارباغ که گذرگاه آن شاهزاده بود بر بُنْهی وقوع یافت که زشک خُلدبرین و نگارخانهٔ چین گردید و آوارهٔ خوبی و لطافت این آیین به بلاد ماوراءالنهر و سایر بلاد خراسان رسید.» در واقع قدیمی‌ترین نشان از عنوان «سراب» در مشهد، مربوط به دروازه‌ای با این نام است.



محدوده محله سراب در نقشه دالمج مشهد سال ۱۲۳۸ خورشیدی

وسط شهر نزدیک‌تر و محله سراب دورتر می‌باشد. به این معنی که محله چهارباغ بین محله سراب و بست مبارک واقع شده و طرف غربی محله سراب وصل به باروی



محدوده محله و بازارچه سراب در نقشه مشهد سال ۱۲۳۲ خورشیدی

- مروری بر تحولات کالبدی سراب اعتمادالسلطنه برای مشهد ابتدای قرن چهاردهم قمری، شش محله بزرگ و ۱۰ محله کوچک نام می‌برد.

شهر است و این دو محله ... محاذی خیابان غُلباست». طبق مستندات موجود تاریخی و نقشه‌های باقی‌مانده از دوره قاجار، به ویژه نقشه «گلنل دالمج» که مربوط به محرم سال ۱۲۸۶ قمری است، بخش عمده‌ای از محله سراب، شامل باغات بسیار گسترده‌ای می‌شد که برخی از آن‌ها مانند باغ امام جمعه، باغ عنبر، باغ خان نایب، باغ آصف‌الدوله و باغ سالار، از نظر طراحی و فضای سبز در زمره بهترین باغ‌های منطقه و بلکه خراسان بوده‌اند. قسمتی از این فضای سبز، در جبهه جنوب غربی، با تأسیس ارگ مشهد در دوره ملک محمود سیستانی (حدود سال ۱۱۳۶ قمری) د دچار تخریب شد. این تخریب، با هدف توسعه بناهای مربوط به ارگ حکومتی، مانند بنای «باروت‌کوب خانه»، «تویخانه»، «سربازخانه»، «غورخانه» و میدان بزرگ، شتاب بیشتری پیدا کرد و در دوره قاجار، بخش عمده فضا‌های سبز این بخش از محله سراب، دچار نقصان شده‌بود. بافت سبز این منطقه، به دلیل وجود درختان مشجر، به صورت مانع و سنگری طبیعی برای دفاع از محدوده ارگ حکومتی عمل می‌کرد. این محله در میانه دوره قاجار، حدود سال ۱۲۵۷ خورشیدی و زمان سرشماری زین‌العابدین میرزای قاجار، منطقه‌ای اعیان‌نشین بود که در آن گروه مهمی از نخبگان علمی، هنری و اقتصادی شهر مشهد زندگی می‌کردند و خانه‌های اجاره‌ای آن عمدتاً در اختیار ثروتمندان دیگر بلاد و عُملّال حکومتی قرار داشت.

با این حال، توسعه بافت شهری در قلب فضای سبز قدیمی، این جرئت را به مردم عادی داده‌بود که بافت مشجر آن را با ساخت خانه، کشیدن کوچه‌های طویل و تأسیس زیرساخت‌ها به ورطه نیستی بکشانند. در میان محله، عمارت «مصطفی‌قلی‌خان» یک سازه شاخص برای نشان دادن این تغییر کالبدی بود. رونق تکیه‌های «علیمردان‌خان»، «کرپائنی‌مصومه»، «خواجه روشنائی» و حمام‌های سراب و سالار، خبر از توسعه بافت شهری و ایجاد مناطق زیستی متراکم‌تر در محله سراب، از میانه قرن سیزدهم قمری به بعد می‌دهد. پس از شروع این تغییرات، بخش غربی این محله که در مجاورت باروی مستحکم شاه‌تهماسبی قرار داشت، گسترش بیشتری پیدا کرد. کنسولگری انگلیس در میانه قرن نوزدهم میلادی (نیمه دوم قرن سیزدهم قمری)، در قسمت غربی محله سراب و مجاورت زمین‌های منطقه ارگ بنا شد. ایجاد کنسولگری که در فضای مرزی شهر قرار داشت، منطقه‌ای برای تمرکز جدید اقلیت‌های مذهبی ایجاد کرد. بعدها، ارامنه و سپس کلیبی‌ها در بخش‌های حاشیه‌ای این منطقه ساکن شدند و با تأسیس مغازه‌هایی مانند «برناردی» که توزیع‌کننده اقلام وارداتی و غربی‌گوناگون در مشهد بود، بافت فرهنگی این بخش نیز، دستخوش تغییرات اساسی شد، آن‌گونه‌که اولین سینماهای مشهد، نخستین فضای سبز مدرن و بالگویی غربی شهر (میدان ارگ و باغ ملی بعدی با طراحی مسیولولو مستشار اداره گمرکات) و نیز، اولین خیابان دارای چراغ‌برق (کوچه ارگ) در همین منطقه پا گرفت و منشأ تغییرات کالبدی بیشتر در سطح مشهد شد.

محله سراب با تأسیس کوچه‌هایی مانند جنت و خیابان‌هایی مانند ارگ (امام خمینی امروزی)، در ادوار بعدی، برای مدتی نسبتاً طولانی موقعیت خود را به عنوان منطقه اعیانی مشهد حفظ کرد. این مسئله، به ویژه باعث سکونت افراد متمولی مانند «حاج حسین ملک، در آن وزیمنه‌ساز احداث‌تأسیسات مختلف زیرساختی، از ادارات گوناگون دولتی و نظامی تا قدیمی‌ترین بیمارستان هم‌چنان فعال شهر مشهد (بیمارستان منتصریه؛ تأسیس: ۱۲۹۸ خورشیدی) در این محدوده شد. هر چند که محله سراب در دهه‌های اخیر، رونق گذشته خود را تا حد زیادی از دست داده، اما هم‌چنان میراث‌دار تحولات تاریخی و پیشینه ۱۳۰۰ ساله شهر مقدس مشهد است.

دهانه غلامان

درباره شهری منحصربه‌فرد با پیشینه پیش از میلاد مسیح



شهری در محوطه دهانه غلامان نبوده‌است. از سوی دیگر، عمر این محوطه هم بسیار کوتاه بوده و احتمالاً در همان دوره هخامنشی متروک شده‌است. در نتیجه، ممکن است این محوطه شهری دوره هخامنشی با هدفی خاص ایجاد شده باشد. دهانه غلامان تنها شهر دوره هخامنشی است که به‌گفته کاوشگرانش می‌شود در آن خانه‌های مسکونی شخصی را از فضا‌های حکومتی شهر بازشناخت. تفکیک شدن فضا‌های شخصی، دولتی، مذهبی، صنعتی، نظامی و... دهانه غلامان را به تنها شهر بازمانده از دوره هخامنشی تبدیل کرده‌است که می‌شود در آن طبقات یک جامعه را دید. با همه این‌ها و با وجود چنین شواهدی، شاید امروز قدری محکم‌تر بشود گفت که زرنگ دوره هخامنشی همین محوطه دهانه غلامان بوده‌است.

زرنگ است. در کتیبه‌های هخامنشی به شهری در شرق امپراتوری اشاره شده‌است به نام زرنک یا زرنکا. در کتیبه داریوش در بیستون، تخت جمشید، نقش رستم و شوش و همچنین کتیبه خشایارشا در تخت جمشید و چند کتیبه دیگر، به نام زرنگ اشاره شده‌است. بین تاریخ‌دان‌ها سه محل برای شهر زرنگ نامزد بودند: تپه نادعلی، دهانه غلامان و ادهان‌کهنه. هر سه محوطه امروز داخل مرز ایران و در استان سیستان و بلوچستان قرار دارند.

دهانه غلامان تنها محوطه شناخته‌شده دوره هخامنشی سیستان ایران است. فراتر از این، دهانه غلامان تنها مرکز شهری باقی‌مانده از دوره هخامنشیان است که تقسیم‌بندی محله‌ها و ساختمان‌های آن بر اساس نقشه‌ای از پیش تعیین شده بوده و در کل، بنای شهر روی خاک بکر بوده‌است. این یعنی پیش از دوره هخامنشی هیچ

- شهر رموز هخامنشیان

یکی از هدف‌های باستان‌شناسان این است که به فکر و درک انسان کهن راه یابند، چون هرچه از دوره‌های پیش‌زماننده، نمود رفتار خودآگاه یا ناخودآگاه انسان است. شهرها جدا از سازه‌ها و ساختمان‌ها حتی در مفهوم انتزاعی هم برآیندی از تفکر و تصمیم انسان هستند؛ پس بررسی یک شهر باستانی می‌تواند ما را به عمق درک انسان چند هزارساله از زندگی ببرد. سیدمنصور سیدسجادی، باستان‌شناس، سال ۱۳۷۹ در این محوطه کاوش کرده و معتقد است یک چهارم بناهای دهانه غلامان را ساختمان‌های بزرگ و همگانی تشکیل می‌دهند، یک چهارم دیگرش ساختمان‌های متوسط یعنی کوچک‌تر از همگانی‌ها و بزرگ‌تر از مسکونی‌هاست و بقیه بناهای شهر ظاهراً مسکونی هستند. همه این‌ها بافت شهری دهانه غلامان را مانند هگمتانه و شوش و تخت جمشید که جزو شهرهای مهم دوره هخامنشی هستند، ارزشمند کرده‌است. با وجود این، همه شهرهای یادشده پیشینه شهرنشینی داشته‌اند و شهر دوره هخامنشی در امتداد آن‌ها بوده یا روی شهر قدیمی‌تر ساخته شده‌است؛ اما یافته‌های باستان‌شناسی در دهانه غلامان می‌گوید شهر تازه‌تأسیس بوده و تقریباً ۱۵۰ سال بیشتر دوام نیاورده‌است. این شهر نوپا با وجود همه تمهیدات، ظاهراً نتوانسته‌است فرایند شهری‌شدن را طی کند و به‌گفته پژوهشگران، در زمینه‌های اقتصادی، صنعتی و اجتماعی پیشرفت نکرده و همین مورد، در کنار وضعیت جغرافیایی منطقه سبب متروک‌شدن آن شده‌است.

نویسندگان مقاله «شکل‌گیری شاخصه‌های معماری شهری دوره هخامنشی در دهانه غلامان» در شماره نوزده فصلنامه «مرمت و معماری ایران» معتقدند: «شناخت شاخصه‌های معماری در دهانه غلامان نشان داد که الگوی به‌کاررفته در این محوطه کاملاً بومی بوده‌است و برخلاف آنچه داریوش در کتیبه شوش درباره ساخت کاخ‌های شوش بیان می‌کند، به نظر می‌رسد در ساخت مجموعه‌ساختمان‌های دهانه غلامان تنوع قوی وجود نداشته و فقط ایده‌های معماری بومی حاکم بوده‌است.» با همه این‌ها، کاوش‌های دهانه غلامان به عنوان شهر نویافته هخامنشیان همچنان اندک است. کیفیت بناهای این شهر باستانی حاکی از این است که سازندگان شهر، چشم‌اندازی ویژه برای آن می‌دیدند؛ چشم‌اندازی که شاید کاوش‌های آینده دلیلی محکم برای آن ارائه‌کنند تا شاید تاریخ تار یک این تنها شهر هخامنشی شرق ایران روشن‌تر از امروز شود.